

تحلیل اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار بر اجتناب مالیاتی در منتخبی از شرکت‌های صادراتی در بورس اوراق بهادار تهران^۱

شهریار زروکی*، محمد عبدی سیدکلایی**، سودابه برارجانی⁺

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

DOI: 10.30495/ECO.2022.1958426.2660

<p>چکیده</p> <p>هدف این مقاله بررسی آثار ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها برای نمونه‌ای متشکل از ۶۴ شرکت صادراتی در ایران طی بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۸ است. برای این منظور، در دو مرحله از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین زن گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده گردید؛ بدین صورت که، نخست، ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار و سپس، اثر آن بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها برآورد شد. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش بر وجود اثر مستقیم ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دلالت دارد. افزون بر این، نتایج نشان داد که ارزش بازاری و اندازه شرکت، به ترتیب، با اثر مستقیم و معکوس بر اجتناب مالیاتی همراه است. بنابراین، افزایش ابهام، محیط کنترلی ضعیف‌تر و کاهش جریان‌های نقدی مورد انتظار ناشی از ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار، فرصت و زمینه را برای مدیریت شرکت درباره افزایش اجتناب مالیاتی فراهم می‌آورد و دست‌اندرکاران حوزه مالیات باید به این نکته مهم توجه زیادی داشته باشند.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲</p> <p>طبقه‌بندی JEL: C23, H26, D22</p> <p>واژگان کلیدی: ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار، اجتناب مالیاتی، شرکت‌های صادراتی، بورس اوراق بهادار تهران</p>
---	---

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سودابه برارجانی به راهنمایی دکتر شهریار زروکی و مشاوره دکتر محمد عبدی سیدکلایی در دانشگاه مازندران است.

*دانشیار گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

sh.zaroki@umz.ac.ir

**استادیار گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران، پست الکترونیکی:

m.abdi.sk@umz.ac.ir

⁺کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران، پست الکترونیکی:

sudabebararjani@gmail.com

۱. مقدمه

امروزه، در اکثر کشورها، بخش بیشتری از منابع درآمدی دولت از طریق «مالیات» تأمین می‌شود. در اقتصاد ایران نیز درآمد مالیاتی، بخش اصلی منابع مالی دولت را طی سال‌های گذشته تشکیل داده است؛ به طوری که بر طبق گزارش بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۹۶ حدود ۴۵ درصد از کل منابع مالی دولت، درآمد مالیاتی بوده است (زروکی، یوسفی بارفروشی، توسلی‌نیا و حدیدی، ۱۴۰۱). مالیات هزینه‌ای است که از سمت دولت، بر تمام واحدهایی که منفعت مالی و مادی دارند و به‌رشیوه‌ای درآمدزایی می‌کنند، اعمال می‌شود. از آنجا که شرکت‌ها و اشخاص حقوقی برای کسب سود و منفعت فعالیت می‌کنند، پیش‌بینی می‌شود که به‌دنبال راه‌هایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند.

شرکت‌ها برای احتراز از پرداختن مالیات، راهکارهایی را پی‌می‌گیرند که از این راهکارها می‌توان به برنامه‌ریزی مالیاتی، اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی اشاره کرد. خودداری کردن از پرداختن مالیات، یکی از راهکارهای قانونی برای کاهش مالیات است و گونه‌ای ابزار صرفه‌جویی مالیاتی است که منابع را از دولت به‌سمت سهامداران هدایت می‌کند. اجتناب مالیاتی نوعی سوءاستفاده رایج از قوانین مالیاتی است که با راه‌های پرهیز از پرداختن مالیات و یا سعی در یافتن راه‌های قانونی برای کاهش میزان مالیات پرداختی مرتبط است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳). از دیدگاه نظری، هدف اجتناب مالیاتی، کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و هیتزمن^۱، ۲۰۱۰).

مطالعه تیلور، آلهادی، ریچاردسون، الفرخان، الیحیایی^۲ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که یکی از عوامل تأثیرگذار در اجتناب مالیاتی، ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار است. کارایی سرمایه‌گذاری زمانی ایجاد می‌شود که شرکت فقط در برنامه‌هایی با ارزش فعلی خالص مثبت سرمایه‌گذاری کند تا سرمایه سهامداران را افزایش دهد. در سال‌های گذشته، مدیران سازمان‌ها دریافته‌اند که سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری مؤثر در آن برای تحصیل مزایای رقابتی بادوام و کارآمد، اهمیت زیادی دارد (هندریکس^۳، ۲۰۰۲).

کارایی نیروی انسانی در شرکت، بازتاب شایستگی‌های سازمانی، دسترس‌پذیری منابع و بازگشت سرمایه است که برای موفقیت شرکت اهمیت زیادی دارد (تیلور و دیگران، ۲۰۱۹). در مقابل، ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار به افزایش هنگفت در هزینه‌های تولید شرکت منجر می‌شود که پیامد نقص بازار در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شرکت است (یونگ، لی و وبر^۴، ۲۰۱۴).

براساس نظریه نئوکلاسیک، ناکارایی نیروی کار به سوددهی مطلوب نمی‌انجامد و از این روی، ممکن است بر توانایی شرکت‌ها برای استمرار فعالیت اثر بگذارد (کامرون^۵، ۱۹۹۴؛ کامرون، فریمن و میشر^۶، ۱۹۹۱). اگر اشتغال ناکارآمد نیروی کار، سود بنگاه‌ها و درآمد داخلی شرکت را کاهش دهد، ممکن است شرکت قادر به تأمین مالی هزینه‌های خود نظیر پرداخت دستمزد، سود و مالیات نباشد و این مشکل سبب اجتناب مالیاتی برای پس‌انداز پول نقد گردد.

¹ Hanlon & Heitzman

² Taylor, Al-Hadi, Richardson, Alfarhan & Al-Yahyaee

³ Hendricks

⁴ Jung, Lee & Weber

⁵ Cameron

⁶ Freeman, & Mishra

محققان درباره اجتناب مالیاتی و عوامل تأثیرگذار آن مطالعات بسیاری انجام داده‌اند که در آنها، رابطه اجتناب مالیاتی با متغیرهای مختلف بررسی شده است. تحلیل ادبیات داخلی نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی درخصوص اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی اثرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های صادراتی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام نشده است. براین اساس، به‌دلیل اهمیت جذب مالیات‌ها و پیامدهایی که می‌تواند بر کل اقتصاد داشته باشد، هدف این مقاله، تحلیل اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار بر اجتناب مالیاتی در ۶۴ شرکت صادراتی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۸ است. برای این منظور، از روش داده‌های تابلویی پویا و برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته در برآورد الگو استفاده می‌شود. برای دستیابی به هدف، مقاله بدین شکل سازمان‌دهی می‌شود: در ادامه و بعد از مقدمه، در بخش دوم ادبیات پژوهش مرور می‌شود؛ بخش سوم به روش پژوهش اختصاص دارد؛ در بخش چهارم، الگو برآورد می‌شود و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادها عرضه می‌گردد.

۲. مروری بر ادبیات پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

- مالیات

در بیشتر کشورها، مالیات، اصلی‌ترین منبع درآمد دولت به‌شمار می‌رود. در کشورهای توسعه‌یافته درآمدهای مالیاتی در تأمین مالی هزینه دولت بسیار مهم است؛ اما در کشورهای درحال توسعه نظیر ایران، به دلیل ساختار توری و ناکارا بودن سیستم مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد زیادی از منبع مالی دولت را دربرنمی‌گیرد. در نتیجه، به دلیل ضعف نظام مالیاتی در شناخت درست میزان درآمد مؤدیان مالیاتی، مقدار مالیات تشخیصی، کمتر از مقدار واقعی است. در واقع، هدف مؤدیان مالیاتی این است که بتوانند بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند و برای رسیدن به این هدف، سه مفهوم برنامه‌ریزی مالیاتی، فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات در ادبیات گسترش یافته است. دسترسی به این هدف، مستلزم شناخت و تمایز این سه مفهوم است که در ادامه، تعریف عملیاتی و وجه تمایز آنها عرضه می‌شود.

«برنامه‌ریزی مالیاتی»^۱ کوشش‌های مالی در راستای کاهش مالیات است. در برنامه‌ریزی مالیاتی، کاهش مالیات توسط سه روش اخذ کسری با تخفیف، معافیت مالیاتی و انجام فعالیت در ازای پرداخت نکردن قسمتی از بدهی مالیاتی صورت می‌گیرد. در اصل، برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت‌ها سبب ترغیب افراد برای پس‌انداز کردن و نیز صرفه‌جویی می‌گردد. این صرفه‌جویی و پس‌انداز کردن می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار دولتی و یا تغییر مکان اقامت به یک «پناهگاه مالیاتی»^۲ (منظور، ناحیه‌ای است که در آن نرخ مالیات کمتر است) صورت گیرد (آگروال^۳، ۲۰۰۷).

«فرار مالیاتی» پنهان‌کردن صورت‌های مالی و اطلاعات درست مؤدیان مالیاتی برای کاهش بدهی ناشی از آن و نیز گزارش‌های مالی نادرست به مقام مسئول است. به‌عبارت دیگر، هر شیوه غیرقانونی که سبب کاهش بدهی مالیاتی شود، فرار مالیاتی تلقی می‌گردد. پنهان کردن درآمد یا اظهار کمتر از واقعیت آن، اغراق نمودن صورت حساب هزینه‌ها، تحریف اطلاعات آماری و نیز نقض شیوه‌نامه‌ها از جمله اقدامات فرار از پرداختن مالیات محسوب می‌گردد (همان).

¹ Tax Planning

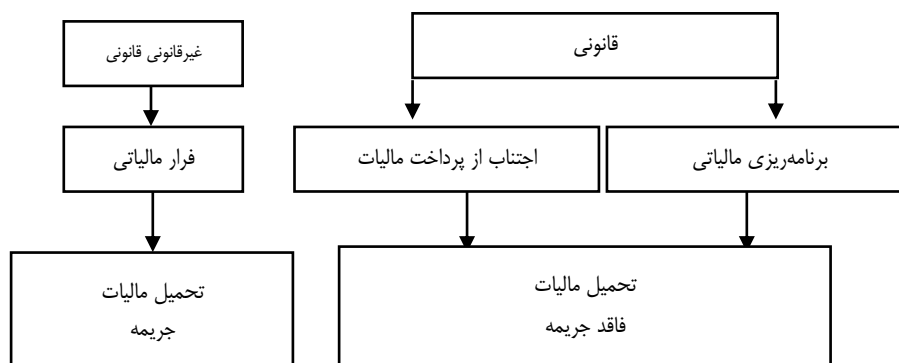
² Tax Shelter

³ Agrawal

«اجتناب مالیاتی» به تلاش شخص (حقیقی یا حقوقی) برای کاهش مالیات‌های پرداختی اطلاق می‌گردد. در واقع، استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات پرداختی را اجتناب از مالیات گویند. در اجتناب از مالیات، شخص بدون اینکه قوانین را زیر پا بگذارد یا از آنها فراتر رود، از پرداخت مالیات فرار می‌کند؛ به‌عنوان مثال، برای شرکتی که در داخل و خارج کشور، از بازار فروش مطلوبی برخوردار است؛ این فرصت قانونی وجود دارد که برای کاهش مالیات پرداختی خود اقدام کند؛ زیرا براساس ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم، درآمد حاصل از صادرات از جمله درآمدهایی است که مشمول مالیات نمی‌شود و از این‌رو، شرکت می‌تواند در چارچوب ضوابط قانونی از پرداخت مالیات احتراز نماید.

- تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود. فرار مالیاتی، گونه‌ای تخلف از قانون است. هنگامی که یک مؤدی مالیاتی از دادن گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌ورزد، عملی غیررسمی مرتکب می‌شود که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگاه می‌دارد؛ ولی در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او آشکار شود. اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. در این اوضاع، فرد برای کاهش میزان مالیات پرداختی، در پی راه‌های گریز است؛ به‌عنوان مثال، درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می‌دهد که از نرخ پایین‌تری برای مالیات برخوردارند. در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی نگران افشا شدن اطلاعات نیست؛ زیرا تمامی مبادلات خود را با جزئیات (البته به‌طور غیرواقعی) ثبت و ضبط می‌کند. در واقع، عوامل و فعالان اقتصادی با استفاده از روزنه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. از آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعالیتی ظاهراً قانونی است؛ از این‌رو، بیشتر از فرار مالیاتی در معرض توجه قرار دارد (الستدسایتر، جوهانسن، هری و زاکن^۱، ۲۰۲۲). به‌عبارت دیگر، اجتناب از مالیات، نوعی سوءاستفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. این مقوله به یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی مرتبط است که مؤدیان بدان‌وسیله خود را از افراد مشمول مالیات کنار می‌گذارند (شمس، باس و گاناسکاراج^۲، ۲۰۲۲). در شکل (۱) به خلاصه‌ای از انواع عدم‌تمایل به پرداخت مالیات (فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی) اشاره شده است.



شکل ۱. طبقه‌بندی انواع عدم‌تمایل به پرداخت مالیات (منبع: کیم و ایم^۳، ۲۰۱۷)

^۱ Alstadsæter, Johannesen, Herry & Zucman

^۲ Shams, Bose & Gunasekarage

^۳ Kim & Im

- محاسبه اجتناب از مالیات

شرکت‌ها درآمد مشمول مالیات را در اظهارنامه مالیاتی و نیز هزینه مالیات بر درآمد و دارایی‌ها و بدهی‌های مالیات بر درآمد را طبق صورت‌های مالی اعلام می‌کنند؛ بنابراین، ارزیابی درآمد مشمول مالیات و پرداخت‌های مالیاتی از سازه‌های مهم در تعیین اجتناب مالیاتی است که می‌تواند از دیگر منابع اطلاعاتی به‌دست آید. بیشتر مقیاس‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از داده‌های صورت‌های مالی به‌دست می‌آیند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

به این دلیل که پرداخت نکردن مالیات به انحصار مختلفی مانند اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی انجام می‌شود، برگزیدن معیاری مناسب برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از آنجا که میزان مالیات شرکت‌ها از سود قبل از مالیات آن‌ها به‌دست می‌آید، امکان تأثیرگذاری دیگر عوامل موجود در سود مانند مدیریت سود، بر نتایج پژوهش‌های مربوط به اجتناب مالیاتی به‌ویژه در پژوهش‌هایی که از معیارهای غیرمستقیم برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده می‌کنند، وجود دارد؛ زیرا در اغلب این معیارها از سود قبل از مالیات برای اندازه‌گیری آن‌ها استفاده می‌شود. در مجموع، برای محاسبه اجتناب از مالیات، معیارها و مقیاس‌های مختلفی به‌کار می‌رود که در پنج دسته کلی نرخ مؤثر مالیات، تفاوت‌های مالیاتی، اجتناب مالیاتی اختیاری یا غیرعادی، مزایای مالیاتی شناسایی نشده و پناهگاه‌های مالیاتی دسته‌بندی می‌شوند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

از آنجا که در این مقاله از نرخ مؤثر مالیات به‌عنوان پراکسی برای اجتناب مالیاتی استفاده می‌شود؛ در ادامه تنها به توضیح و بررسی نرخ مؤثر مالیات اکتفا می‌شود. معیار نرخ مؤثر مالیات با تقسیم بدهی مالیاتی بر سود قبل از مالیات و یا جریان نقدی ارزیابی می‌شود. این اندازه‌گیری‌ها متوسط نرخ مالیات در هر واحد از درآمد با جریان نقدی را شامل می‌شود. این معیار به پنج دسته دیگر شامل نرخ مؤثر مالیات حسابداری، نرخ مؤثر مالیات جاری، نرخ مؤثر مالیات نقدی، نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت و تفاضل نرخ مؤثر قانونی و حسابداری تقسیم‌بندی می‌شود (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

در این مقاله، طبق پژوهش تیلور و دیگران (۲۰۱۹) نرخ مؤثر مالیات حسابداری به‌عنوان معیاری برای اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شده است. در نرخ مؤثر مالیات حسابداری، هزینه مالیات بر درآمد در صورت کسر قرار می‌گیرد. این معیار با تقسیم هزینه کل مالیات بر درآمد، بر سود قبل از مالیات محاسبه می‌شود. راهبردهای مالیاتی که مالیات‌ها را به تعویق می‌اندازد (برای مثال، تسریع در شناسایی هزینه استهلاک برای مقاصد مالیاتی) نرخ مؤثر مالیات حسابداری را تغییر نخواهد داد؛ زیرا هزینه کل مالیات، در نهایت، تحت تأثیر این اقدام قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، برخی از اقلامی که در طبقه مالیاتی نیستند؛ از قبیل تغییر در ارزیابی مستمری (مخارج فوق‌العاده و سفر) با تغییر در ذخیره احتمالی مالیات می‌تواند بر نرخ مؤثر مالیات حسابداری اثرگذار باشد. نرخ مؤثر مالیات حسابداری نرخ است که متأثر از سود حسابداری است (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰) و کمتر بودن آن به‌عنوان معیاری برای اجتناب مالیاتی بالاتر است؛ با ثابت نگه‌داشتن درآمد، شرکت‌هایی که اجتناب از مالیات بیشتری دارند، نسبت به شرکت‌هایی که اجتناب از مالیات کمتری دارند، وجه نقد کمتری را برای مالیات پرداخت خواهند کرد؛ از این‌رو، کاهش نرخ مؤثر مالیات حسابداری به منزله افزایش اجتناب مالیاتی است.



– ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار

سرمایه‌گذاران همواره در پی منافع خود در شرکت‌ها بوده و بر تصمیم‌گیری مدیران شرکت‌ها نظارت می‌کنند تا از بازده مناسب سرمایه‌گذاری که منافع آن‌ها را نیز به دنبال دارد، مطمئن شوند. اطلاعات مالی باکیفیت و گزارش‌گیری مناسب از اطلاعات سبب می‌گردد سرمایه‌گذاران به‌طور مطلوب‌تری قادر به تحلیل فعالیت‌های مدیران باشند و مانع بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه شوند (هیلی و پالپو^۱، ۲۰۰۱؛ بیدل، هیلاری و وردی^۲، ۲۰۰۹). سرمایه‌گذاری شرکت‌ها مشتمل بر دو نوع سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است. کارایی سرمایه‌گذاری به معنای قبول پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص مثبت و ناکارایی سرمایه‌گذاری به معنای عبور از این فرصت‌های سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری کمتر از حد) و یا گزینش پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی (سرمایه‌گذاری بیش از حد) است (ثقفی و عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۹).

کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی نیز به معنای به‌کارگیری تعداد بهینه نیروی کار است (یونگ و دیگران، ۲۰۱۴). ناکارایی نیروی کار ناشی از کاهش شفافیت و تبادل اطلاعات است. شرکت‌هایی که در عمل، ناکارایی نیروی کار را تجربه می‌کنند، در معرض عدم تقارن اطلاعاتی یا مشکلات نمایندگی قرار می‌گیرند که می‌تواند با مسئله کژمنشی و یا کژگزینی همراه شود؛ برای مثال، مسئله کژمنشی در ارتباط با سرمایه‌گذاری بیش از اندازه در نیروی کار، می‌تواند به ناکارآمدی در قرارداد و نظارت شرکت، ایجاد ابهام و عدم کنترل داخلی منتهی شود و شرایط را برای رفتار رانت‌جویانه مدیران فراهم کند. نامتقارنی اطلاعات میان صاحبان شرکت و سرمایه‌گذاران و وجود تعارض منافع میان این دو گروه، ممکن است مدیران را درگیر مسئله کژمنشی نماید و از این راه به استخدام بیش از حد نیاز نیروی کار یا حفظ نیروی کار مازاد (سرمایه‌گذاری بیشتر از حد در نیروی کار) منجر شود (گوماریز و بالستا^۳، ۲۰۱۴). به علاوه، عدم تقارن اطلاعات می‌تواند با پدیده کژگزینی همراه باشد. در این وضعیت، سرمایه‌گذاران که نسبت به مدیران اطلاعات کمتری دارند با کاهش قیمت پیشنهادی در خرید سهام، خود را از ریسک مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی حفظ می‌کنند. این موضوع سبب می‌شود که شرکت‌ها در تأمین مالی پروژه‌های سودآور نیز دست‌خوش مشکل شده و برای کاهش هزینه‌ها ناچار به کنار گذاشتن بیش از حد نیروی کار (سرمایه‌گذاری کمتر از حد در نیروی کار) شوند (یونگ و دیگران، ۲۰۱۴).

– ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار و اجتناب مالیاتی

ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار از چندین مسیر به ضعف در جریان اطلاعات، گزارش‌گری مالی، تهیه منابع، نظارت و سهمیه‌بندی منجر می‌گردد که این امر خود سبب افزایش اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها می‌شود و در صورت وجود محدودیت سرمایه در تأمین مالی نیز اثرگذاری بیشتری را در پی خواهد داشت (بیدل و هیلاری^۴، ۲۰۰۶). مسیر نخست، محیط اطلاعاتی است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که کاهش عدم تقارن اطلاعاتی از مسیر ارائه گزارش‌های مالی باکیفیت‌تر، افزایش کارایی اشتغال را به دنبال دارد (مکنیکولز و استابن^۵، ۲۰۰۸). به‌طور خاص،

¹ Healy & Palepu

² Biddle, Hilary & Verdi

³ Gomariz & Ballesta

⁴ Biddle & Hilary

⁵ McNichols & Stubben

ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار قادر است با تأثیرگذاری بر جریان اطلاعات در بازارهای سرمایه، شکل‌دهی عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران و نیز با افزایش سطح نااطمینانی در جریان‌های نقدی آینده، تمایل شرکت‌ها برای ترغیب به مشارکت در اجتناب مالیاتی را متأثر سازد (بالاکریشمن، بلوین، گای^۱، ۲۰۱۲).

تداوم عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و ارائه‌دهندگان می‌تواند به ناکارایی در تصمیم‌های عملیاتی و مالی ناآگاهانه ختم گردد که پیامد آن، سود کمتر از حد مطلوب و ارزش بازاری کمتر خواهد بود و از این‌رو، دسترسی به منابع برون‌سازمانی نیز کاهش یافته و برای جبران خسارت‌ها، انگیزه و فرصت لازم برای اجتناب مالیاتی ایجاد شود (ریچاردسون^۲، ۲۰۰۶). به‌طور کلی، گزارش مالی باکیفیت‌تر با کمک به مدیران شرکت برای تصمیم‌گیری کارتر در مورد سرمایه‌گذاری، از جمله تصمیم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در نیروی کار، باعث بهبود عملکرد مالی شده و عدم تقارن اطلاعاتی را نیز کاهش می‌دهد (ریگو و ویلسون^۳، ۲۰۱۲).

مسیر دوم، محیط نظارتی و شیوه تهیه منابع است. محیطی که با اصطکاک در بازار و ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار مواجه است، احتمالاً به شکل‌گیری رانت مدیریتی کمک می‌نماید؛ زیرا به مدیران شرکت‌ها اجازه می‌دهد برای منافع شخصی و دست‌یابی به سود خود اقدام نمایند (ینسن و مک‌لینگ^۴، ۱۹۷۶).

پنهان‌سازی در مورد نتایج و ناکارایی‌های ناشی از نیروی کار ممکن است توسط انگیزه‌های بسیاری مثل قراردادهای پاداش و نگرانی‌های شغلی حمایت شود که می‌تواند انگیزه و فرصت لازم برای اجتناب مالیاتی را آسان کند (استین^۵، ۲۰۱۳). نبودن شفافیت و تبادل اطلاعات به دلیل ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار نیز ممکن است حفظ حاکمیت مؤثر و ساختارهای کنترل داخلی را با مشکل روبه‌رو کند و در نتیجه، برنامه‌ریزی متهورانه مالیاتی را ممکن کند؛ برای مثال، کمبود کارکنان آموزش‌دیده در برخی از مسئولیت‌های شرکتی یا حسابرسی ممکن است سبب ضعف در کنترل داخلی و افزایش احتمال اجتناب مالیاتی گردد. علاوه‌براین، در چنین موقعیتی ممکن است برای مأموران مالیاتی، نظارت بر فعالیت‌های مبهم اجتناب مالیاتی توسط شرکت‌ها دشوار باشد (دسای و دارماپالا^۶، ۲۰۰۶). بنابراین، ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار در محیط نظارتی ضعیف، فرصت اجتناب مالیاتی بیشتر را فراهم می‌کند.

مسیر سوم، جریان‌های نقدی مورد انتظار است. ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار می‌تواند به سهمیه‌بندی سرمایه برای یک شرکت منجر شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران بیرونی (که اطلاعات کمتری در مقایسه با مدیران شرکت دارند) هزینه بیشتری را برای این شرکت‌ها در نظر می‌گیرند (یونگ و دیگران، ۲۰۱۴). دلیل آن است که کارایی بازار کار می‌تواند توانایی تأمین‌کننده سرمایه را در درک صورت‌های مالی یک شرکت، تفسیر منبع و تداوم درآمد، جریان‌های نقدی و ریسک‌های پنهان کند. افزایش هزینه تأمین مالی برون‌سازمانی باعث می‌شود که شرکت‌ها برای تأمین مالی عملیات و سرمایه‌گذاری‌های خود به وجوه داخلی اعتماد بیشتری داشته باشند (ایزلی و اوهارا^۷، ۲۰۰۴).

¹ Balakrishman, Blouin & Guay

² Richardson

³ Rego & Wilson

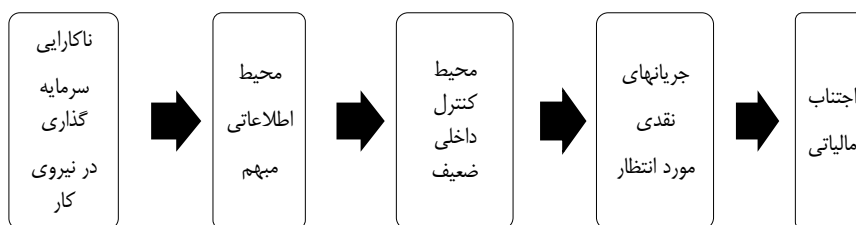
⁴ Jensen & Meckling

⁵ Stein

⁶ Desai & Dharmapala

⁷ Easley & O'Hara

ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار احتمالاً بر جریان‌های نقد عملیاتی تأثیر می‌گذارد و از طریق سازوکارهای اجتناب مالیاتی برای رفع مشکلات کسری منابع مالی ضرورت می‌یابد (دیاموند و ورکچیا^۱، ۱۹۹۱). در مجموع، با توجه به مسیرهای یادشده، احتمال می‌رود که ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار تأثیر منفی در شفافیت و جریان اطلاعات در بین ذینفعان بگذارد، قدرت حاکمیت شرکتی و دستگاه‌های کنترل داخلی را مختل کند و در نهایت، در توانایی مالی شرکت تأثیرگذار باشد. به بیان دیگر، افزایش ابهام، محیط کنترلی ضعیف‌تر و کاهش جریان‌های نقدی مورد انتظار ناشی از ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار، فرصت و زمینه را برای مدیریت شرکت در خصوص افزایش اجتناب مالیاتی فراهم می‌کند. شکل (۲) ارتباط بین ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار و اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد. براساس شکل (۲) ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار آثار مستقیم بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد و آن را افزایش می‌دهد.



شکل ۲. طرح کلی رابطه ناکارایی نیروی کار و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها

منبع: الستدسیتر و دیگران (۲۰۲۰)

مساله «نیروی کار» از دیرباز در مباحث اقتصادی مطرح بوده است و در میزان سود و زیان شرکت‌ها تأثیر بی‌واسطه‌ای دارد؛ بنابراین، عوامل مؤثر در میزان جذب تعداد نیروی کار نیز می‌تواند افزون‌بر مسیرهای یادشده در ارتباط بین سرمایه‌گذاری در نیروی کار و اجتناب مالیاتی نقش مؤثری داشته باشد؛ زیرا نیروی کار در شرکت از جمله عواملی است که اهمیت زیاد اقتصادی دارد؛ زیرا هم به‌عنوان ورودی و هم یک مؤلفه هزینه‌ای در شرکت دانسته می‌شود (یونگ و دیگران، ۲۰۱۴). در واقع، نیروی کار یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های شرکت است که معمولاً جدا از سایر عوامل تولید لحاظ می‌شود و در رقابت‌پذیری شرکت نقش اساسی دارد.

نیروی کار به‌دلایل گوناگونی «نماینده سرمایه‌گذاری» نام‌گرفته است. نخست، سرمایه‌گذاری روی نیروی کار هزینه‌های هنگفتی دارد. قانون بازده نهایی نزولی بر این دلالت دارد که سرمایه‌گذاری روی نیروی کار یکی از اولین عوامل تولیدی است که دچار ناکارایی می‌شود؛ در نتیجه، از اولین سرمایه‌گذاری‌هایی است که از آن صرف‌نظر می‌شود؛ دوم، نسبت به هزینه‌های سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری در نیروی کار برگشت‌پذیر است؛ سوم اینکه خروج سرمایه در کاهش تعداد کارمندان بخش‌های مختلف بازتاب می‌یابد؛ در نهایت، استفاده از کارمندان جذاب است؛ زیرا بنگاه‌ها کارمندپذیر است و در نتیجه، می‌توان تأثیر زیان آن را در بنگاه‌ها در زمان‌های مختلف آزمون کرد (پیناک و لیلیس^۲، ۲۰۰۷).

¹ Diamond & Verrecchia

² Pinnuck & Lillis

۲-۲. پیشینه تجربی پژوهش

در حوزه کاربردی و تجربی مطالعات فراوانی در زمینه اجتناب مالیاتی به طبع رسیده است؛ اما، در مورد تبیین اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار بر اجتناب مالیاتی به‌ویژه در داخل کشور شکاف پژوهشی احساس می‌شود. در ادامه برخی مطالعات خارجی و داخلی با تمرکز بر اجتناب مالیاتی مرور و بررسی می‌شود.

آرمسترانگ، بلوین، جاگولینزر و لارکر^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر راهبری شرکتی در اجتناب مالیاتی در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۷ پرداخته‌اند. آنها دریافتند که اثر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی غالباً در دو سر طیف وجود دارد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه، روش حداقل مربعات معمولی به‌کار گرفته شده است. نکته مهم این است که محققان رابطه مثبتی را بین درصد اعضای غیرموظف و نیز مهارت مالی هیأت مدیره در طیف بالای تابع اجتناب مالیاتی به‌دست آوردند؛ اما، در طیف پایین تابع اجتناب مالیاتی چنین رابطه‌ای به‌دست نیامد. علاوه‌براین، رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی در میانه و در میانگین تابع توزیع مشاهده نشد. استدلال محققان این است که راهبری شرکتی، خواستار ایجاد توازن در اجتناب مالیاتی است و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی زیاد است، به کاهش آن رغبت دارد و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی اندک است، راهبری شرکتی، خواستار افزایش اجتناب مالیاتی است.

گالمور و لابرو^۲ (۲۰۱۵) در پژوهش خود اهمیت محیط اطلاعات داخلی برای اجتناب از مالیات در بازه زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۴ را بررسی کردند. نتایج نشان داد توانایی شرکت‌ها تحت تأثیر کیفیت محیط اطلاعات داخلی آنها قرار می‌گیرد. آنها پی‌بردند شرکت‌هایی که از فضای اطلاعاتی داخلی مناسب‌تری برخوردارند، احتمالاً از اجتناب مالیاتی بالاتری بهره می‌برند. علاوه‌بر این، در محیطی با اطلاعات داخلی باکیفیت‌تر، ریسک مالیاتی کمتر است.

تیلور و دیگران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای رابطه بین ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار و اجتناب از مالیات شرکت‌ها را بررسی کردند. آنها از روش حداقل مربعات معمولی برای تجزیه و تحلیل پژوهش خود استفاده کردند. ایشان با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی و نمونه‌ای بزرگ از ۶۱۵۴۲ مشاهده‌های سالیانه ایالات متحده در دوره ۲۰۱۴-۱۹۶۲، نشان دادند که ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار به‌طورگسترده‌ای با اجتناب از مالیات رابطه مثبت دارد. به‌طور خاص‌تر، انحراف معیار ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار به کاهش ۰/۷۱ درصدی در نرخ مؤثر مالیاتی حسابداری منجر می‌شود؛ به‌طورکلی، نتایج تحلیل آماری بیان می‌کند که ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار از عوامل مهم اجتناب از مالیات شرکت‌هاست.

در مطالعه‌ای اسیری، الهادی، تیلور و دانگ^۳ (۲۰۲۰) با استفاده از یک نمونه بزرگ از شرکت‌های ایالات متحده طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۳، ارتباط بین بهره‌وری سرمایه‌گذاری شرکت و اجتناب از مالیات شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که ارتباط مثبتی بین اقدامات اجتناب از مالیات شرکت‌ها و ناکارآمدی سرمایه‌گذاری شرکت وجود دارد. همچنین، تجزیه و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات دومرحله‌ای نتایج این پژوهش را تایید می‌کند.

¹ Armstrong, Blouin, Jagolinzer & Larcker

² Gallemore & Labro

³ Asiri, Al-Hadi, Taylor & Duong



خواجوی، ممتازیان و دهقانی سعدی (۱۳۹۵) در پژوهش خود وجود رابطه منفی بین اثرگذاری قابلیت مدیران بر اجتناب مالیاتی را بررسی کردند. این پژوهش با بررسی ۱۴۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۳ - ۱۳۹۲ انجام شد. برای اندازه‌گیری قابلیت‌های مدیران از رگرسیون توییت افزون بر تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها استفاده شد. آن‌ها بیان کردند که میان قابلیت مدیران و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای معکوس برقرار است. به عبارت دیگر، مدیران توانمند، غالباً برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و نیز فعالیت‌های مولد آینده حرکت می‌کنند تا اینکه از پرداخت مالیات اجتناب نمایند.

تحریری و خوئینی (۱۳۹۶) معتقدند که اجتناب مالیاتی یکی از تصمیم‌های مهم مدیریتی است که پایه در اطلاعات داخلی دارد. آن‌ها اثر کیفیت اطلاعات داخلی و کیفیت افشا بر اجتناب از مالیات و خطرهای ناشی از راهبردهای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را آزمون کردند. برای آزمون این رابطه‌ها از اطلاعات ۱۶۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۶ استفاده شد. روش تحقیق این پژوهش از نوع هم‌بستگی است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه، رگرسیون خطی چندمتغیره به‌کارگرفته شد. نتایج نشان داد که هرچه کیفیت اطلاعات داخلی بیشتر باشد، اجتناب از مالیات بیشتر است و اثر مثبت آن در شرکت‌هایی با عدم قطعیت زیادت، بیشتر است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که کیفیت بیشتر اطلاعات داخلی، ریسک ناشی از روش‌های اجتناب مالیاتی را کاهش نمی‌دهد؛ درحالی‌که کیفیت افشای بیشتر با اجتناب از مالیات کمتری همراه است.

صفا، قاضی و حسامی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی ارتباط تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیران پرداختند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط تمرکز بر مشتریان عمده و اجتناب مالیاتی در ۱۳۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۰ - ۱۳۹۵ همراه با بررسی نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیریت بود که از مدل رگرسیون خطی تابلویی استفاده شد. نتایج نشان داد که بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای منفی برقرار است؛ به عبارت دیگر، در شرکت‌هایی با مشتری عمده، نرخ مؤثر مالیاتی بیشتر و اجتناب از پرداخت مالیات کمتر است. علاوه بر این، توانایی مدیران به‌عنوان متغیری تعدیل‌کننده، رابطه میان تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

تحلیل مطالعات نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها - بجز مطالعه تیلور و دیگران (۲۰۱۹) - تحلیل و تبیین اثر عواملی غیر از ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار محور بحث است. بررسی مطالعات داخلی نشان می‌دهد که موضوع بررسی در این پژوهش نوآوری دارد. البته مطالعات دیگری وجود دارد که در آن، محققان به تبیین عوامل مؤثر دیگر در اجتناب مالیاتی پرداخته‌اند. براین اساس، می‌توان گفت که تفاوت این مقاله با سایر مطالعات داخلی آن است که ضمن محاسبه ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار، اثر این عامل بر اجتناب مالیاتی بررسی می‌شود. افزون‌براین، در این مقاله، شرکت‌های صادراتی محل بحث است که متناظر با آن، در ادبیات پژوهشی داخلی، موردی یافت نشد.

۳. روش پژوهش

در این مقاله برای بررسی اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های صادراتی از مدل پیشنهادی تیلور و دیگران (۲۰۱۹) برای داده‌های ۶۴ شرکت صادراتی استفاده شده است. مبنا در انتخاب این ۶۴ شرکت از کل شرکت‌های صادراتی در بورس اوراق بهادار، وجود داده‌های حداکثری در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۸

است. از این رو، برخی از شرکت‌های صادراتی که فاقد مشاهده برای متغیرهای مورد استفاده بودند، حذف شدند. الگوسازی داده‌ها و اطلاعات آماری بر پایه روش داده‌های تابلویی پویاست و برای برآورد الگو از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده می‌شود. پس از جمع‌آوری داده‌ها از سایت کدال^۱ و سازمان بورس، در گام اول جهت برآورد کل سرمایه‌گذاری نیروی کار، از متغیر جانشین درصد تغییرات در تعداد نیروی کار استفاده می‌شود. برای سنجش میزان سرمایه‌گذاری مورد انتظار در نیروی کار از معادله رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$NH_{it} = \alpha_i + \beta_1 NH_{it-1} + \beta_2 SG_{it} + \beta_3 SG_{it-1} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 \Delta ROA_{it} + \beta_6 \Delta ROA_{it-1} + \beta_7 SR_{it} + \beta_8 Size_{it} + \beta_9 QR_{it} + \beta_{10} \Delta QR_{it} + \beta_{11} \Delta QR_{it-1} + \beta_{12} Lev_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن، NH_{it} درصد تغییر در تعداد کارمندان و NH_{it-1} رشد کارمندان با یک دوره وقفه است. توضیح آنکه از منظر شرکتی، به این دلیل که درصد تغییرات در نیروی کار در یک سال می‌تواند متأثر از اندازه و میزان تغییرات در سال قبل باشد؛ وقفه متغیر وابسته در الگو لحاظ شده است. SG رشد فروش شرکت است که برابر با درصد تغییر درآمد فروش است. ROA بازده دارایی، نماینده معیار سود خالص شرکت نسبت به کل دارایی‌هاست و ΔROA تغییرات در بازده دارایی است. SR بازده سهام شرکت بوده و برابر با درصد تغییر در شاخص قیمت سهام شرکت است. $Size$ به‌عنوان اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی شرکت است، QR نسبت آنی است که برابر با نسبت مجموع وجه نقد، سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و حساب‌های دریافتی به بدهی جاری است که به‌صورت درصد نشان داده می‌شود، ΔQR تغییرات در نسبت آنی، Lev اهرم مالی است که برابر با نسبت مجموع بدهی جاری و بلندمدت به کل دارایی‌هاست.

گفتنی است تبیین اولیه مدل از منظر ورود وقفه‌ها و تغییرات بر مبنای مطالعه تیلور و دیگران (۲۰۱۹) قرار دارد. پس از برآورد رابطه (۱) رشد سرمایه‌گذاری در نیروی کار برآوردی (\widehat{NH}) به‌دست خواهد آمد. بنابراین، تفاضل آن را از NH محاسبه کرده و قدر مطلق جمله باقیمانده آن با نماد $InEff$ نشان داده می‌شود که بیونگر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار در شرکت‌های صادراتی است. به بیان دیگر، پس از برآورد مدل، جملات پسماند (تفاوت) رشد سرمایه‌گذاری در نیروی کار واقعی از برآوردی را استخراج و قدرمطلق آن را به‌عنوان ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار به‌دست آورده و در مدل دوم به‌عنوان متغیر توضیحی به‌کار می‌رود. می‌توان گفت مقادیر مثبت باقیمانده مدل بیونگر سرمایه‌گذاری بیش از حد بهینه در نیروی کار و مقادیر منفی باقیمانده نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری کمتر از حد بهینه در نیروی کار را نشان می‌دهد. در ادامه برای سنجش اثر این عامل بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های صادراتی، معادله (۲) پیشنهاد می‌شود.

^۱ در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ پس از راه‌اندازی سامانه معاملات آنلاین توسط تمامی کارگزاری‌ها سازمان بورس در اقدامی مؤثر پایگاهی را تعریف کرد که در آن، تمامی شرکت‌ها ملزم شدند کل گزارش‌های خود را در آن منتشر کنند. سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران که از آن با عنوان کدال یاد می‌شود، سامانه‌ای است که به‌همین منظور طراحی شده است و تمامی سرمایه‌گذاران پس از سایت بورس اوراق بهادار به آن مراجعه می‌کنند.

^۲ Net Hire

^۳ Sales Growth

^۴ Rate of Asset

^۵ Return

^۶ The Logarithm of Total Assets

^۷ Quick

^۸ Leverage



$${}^{(2)}ETR_{it} = \alpha_{it} + \gamma ETR_{it-1} + \beta_1 InEff_{it} + \beta_2 LMV_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 ROE_{it} + v_{it}$$

که در آن، ${}^1 ETR$ نرخ مؤثر مالیات حسابداری که به‌عنوان متغیر وابسته، بیونگر اجتناب از مالیات شرکت‌هاست. در پژوهش‌های انجام‌شده در قلمروی اجتناب مالیاتی برای بازتاب اجتناب مالیاتی و تأثیرات آن، مقیاس‌های متعددی به‌کار گرفته می‌شود. در این پژوهش از نرخ مؤثر مالیات حسابداری مستخرج از مطالعات رگو،^۲ ۲۰۰۳؛ دیرنگ، هانلون و مایدو،^۳ ۲۰۱۰؛ ویلسون،^۴ ۲۰۰۹؛ هوی، وو و ژانگ،^۵ ۲۰۱۳، استفاده شد؛ به‌عنوان معیاری برای برآورد اجتناب از مالیات استفاده می‌شود. نرخ مؤثر مالیاتی حسابداری نسبت وجه نقد پرداخت‌شده برای مالیات‌ها در طول دوره‌های معین به سود قبل از مالیات برای همان دوره است که به‌صورت درصد نشان داده می‌شود که به‌عنوان کل هزینه مالیات محاسبه‌شده، با تأثیر مستقیم در درآمد، نماینده اجتناب مالیاتی است و به اقدامات اجتناب مالیاتی می‌پردازد که در درآمد خالص شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند (رابینسون، سیکس و ویور،^۶ ۲۰۱۰) و برای ارزیابی بار مالیاتی کل و سطح اجتناب مالیاتی از آن استفاده می‌شود (دیرنگ، هنلون و مایدو،^۷ ۲۰۱۰).

ETR_{it-1} نرخ مؤثر مالیات با یک دوره وقفه، ${}^8 LMV$ لگاریتم ارزش بازاری شرکت در انتهای سال مالی است که برای هم‌مقیاس شدن با سایر متغیرها بر ۱۰۰ تقسیم می‌شود. ${}^9 ROE$ حقوق صاحبان سهام و $Size$ اندازه شرکت که به‌عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته می‌شوند. زیرا حقوق صاحبان سهام، عملکرد مالی یک شرکت را نشان می‌دهد (چنگ، هانگ، لی و استنفیلد،^{۱۰} ۲۰۱۲) و شرکت‌های بزرگ معمولاً از صرفه‌جویی در مقیاس در برنامه‌ریزی مالیاتی سود می‌برند (رگو، ۲۰۰۳).

در این مقاله با توجه به وجود وقفه متغیر وابسته و جهت اجتناب از درون‌زایی متغیرها و اشکالات ایجاد، در برآورد مدل از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده می‌شود. پیش از برآورد الگو، برای جلوگیری از بروز مشکل رگرسیون کاذب، ابتدا لازم است تا متغیرها از نظر وجود ریشه واحد بررسی شوند. در این پژوهش، برای این منظور از آزمون ریشه واحد لوین-لین-چو (LLC) استفاده شده است. مطابق با این آزمون متغیرهای پژوهش دارای ریشه واحد ندارند و بنابراین، پایا هستند. پس از آزمون ریشه واحد، در ادامه آزمون‌های تشخیصی الگوی اول که با روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی برآورد شده، انجام شده است. نتایج آزمون سارگان که برای بررسی معتبر بودن متغیرهای ابزاری مورد استفاده در برآورد الگوهای پژوهش انجام شده، نشان از نبودن هم‌بستگی میان متغیر ابزاری و جمله اخلاص دارد. نتایج آزمون آرلانو-باند نیز نشان داد که در هر دو برآورد، جملات اخلاص دارای خودهم‌بستگی سریالی مرتبه اول بوده و خودهم‌بستگی سریالی مرتبه دوم وجود ندارد.

¹ Effective Accounting Tax Rate

² Rego

³ Dyreng, Hanlon & Maydew

⁴ Wilson

⁵ Hoi, Wu & Zhang

⁶ Robinson, Sikes & Weaver

⁷ Dyreng, Hanlon & Maydew

⁸ Log of Market Value

⁹ Equity

¹⁰ Cheng, Huang, Li & Stanfield

۴. برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

- برآورد الگوی اول

هدف از برآورد مدل اول استخراج متغیر ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار است که در واقع، جملات پسماند مدل برآورد است. نتایج برآورد در جدول (۱) گزارش شده است. همان‌طور که در جدول (۱) مشهود است، متغیرهای رشد فروش در دوره قبل (با ضریب ۰/۰۳۲)، اندازه شرکت (با ضریب ۱/۰۴)، تغییر نسبت آنی (با ضریب ۰/۰۶۹) و تغییر آن در دوره قبل (با ضریب ۰/۰۲۷) و اهرم مالی دوره قبل (با ضریب ۰/۰۳۱) اثر مستقیم بر رشد کارمندان دارد. بازده دارایی‌ها نیز با ضریب ۰/۰۰۲، اثر مستقیم بر رشد کارمندان دارد. ضریب تغییرات بازده دارایی در دوره جاری (با ضریب -۰/۲۸۰)، وقفه اول تغییر در بازده دارایی (با ضریب -۰/۰۳۸)، بازده سهام شرکت (با ضریب -۰/۰۰۴) و نسبت آنی (با ضریب -۰/۰۸۷) اثر معکوس این عوامل بر رشد کارمندان دارد.

جدول ۱. نتایج برآورد الگوی اول

متغیرها	ضریب	آماره z	سطح احتمال
وقفه رشد نیروی کار	-۰/۱۶۱	-۶۵/۴	۰/۰۰۰
رشد فروش دوره فعلی	۰/۰۰۲	۰/۱	۰/۳۳۷
رشد فروش دوره قبل	۰/۰۳۲	۱۱/۷	۰/۰۰۰
بازده دارایی شرکت	۰/۰۰۲	۱۶/۷	۰/۰۰۰
تغییر در بازده دارایی شرکت	-۰/۲۸۰	-۱۸/۰	۰/۰۰۰
وقفه اول تغییر در بازده دارایی	-۰/۰۳۸	-۳/۵	۰/۰۰۰
بازده سهام شرکت	-۰/۰۰۴	-۱۰/۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۱/۰۴۰	۳/۷	۰/۰۰۰
نسبت آنی	-۰/۰۸۷	-۱۸/۶	۰/۰۰۰
تغییر نسبت آنی	۰/۰۶۹	۱۹/۵	۰/۰۰۰
تغییر نسبت آنی دوره قبل	۰/۰۲۷	۱۶/۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی دوره قبل	۰/۰۳۱	۳/۳	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

- برآورد الگوی دوم

با توجه به برآورد الگوی نخست و مطابق با فرایندی که پیشتر بدان اشاره شد، متغیر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار محاسبه شد که توصیف آن در قالب گروه صنایع به شرح جدول (۲) است. مطابق با جدول (۲) میونگین ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار گروه‌های سیمان، آهک و گچ، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی، استخراج کانی‌های فلزی روند نزولی و سایر گروه‌ها روند صعودی داشتند. میونگین کل ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار در گروه صنایع صادراتی از ابتدای دوره تا انتهای دوره نیز روند افزایشی داشته است.

جدول ۲. ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار در گروه صنایع صادراتی

گروه	۱۳۹۰	۱۳۹۸	میانگین کل دوره
دارویی (۱۳)	۳/۱۵	۵۱/۳۵	۲/۸۱
شیمیایی (۵)	۴/۰۷	۱۳/۱۸	۶/۳۴
فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای (۲)	۷/۷۴	۱۰/۱۱	۶/۱
غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر (۷)	۶/۶۷	۳/۸۲	۴/۳۱
لاستیک و پلاستیک (۵)	۲/۰۶	۵/۹۶	۳/۰۸
سیمان، آهک و گچ (۵)	۷/۷	۳/۹۴	۵/۵۸
خودرو و ساخت قطعات (۸)	۵/۱۱	۶/۹۲	۴/۴۹
سایر محصولات کانی غیرفلزی (۴)	۲/۴۹	۶/۸۵	۴/۶۸
کاشی و سرامیک (۳)	۲/۵۳	۵/۰۳	۲/۶۷
فلزات اساسی (۴)	۷/۸۷	۸/۹۶	۵/۶۳
ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی (۲)	۱۲/۸۱	۰/۸۹	۳/۴۵
ماشین‌آلات و تجهیزات (۲)	۱/۹۳	۴/۸۸	۳/۹۵
محصولات کاغذی (۲)	۲/۱۶	۳/۱۰	۲/۲
ساخت دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی (۱)	۱۷/۲۱	۲۸/۹۱	۵/۸
استخراج کانی‌های فلزی (۱)	۹/۲۸	۹/۲۵	۳/۳
میانگین کل	۵/۸۶	۱۰/۲۰	۴/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از برآورد ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار (*InEff*)، مدل (۲) برآورد می‌شود. براساس نتایج جدول (۳) در مدل دوم، از *ETR* که بیونگر اجتناب از مالیات شرکت‌هاست، به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. در این پژوهش از نرخ مؤثر مالیاتی حسابداری به‌عنوان پراکسی یا معیاری برای اجتناب مالیاتی در استفاده شده است. مطابق با جدول (۳) ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار با ضریب $-۰/۷۱$ اثر معکوس بر نرخ مؤثر مالیات و به‌تبع آن، اثری مستقیم بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارد که با منطق علمی سازگار است. از این‌رو، می‌توان گفت با افزایش ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار، نرخ مؤثر مالیات کم می‌شود. بدین مفهوم که اگر یک درصد ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار زیاد شود، نرخ مؤثر مالیات $۰/۷۱$ درصد کم می‌شود؛ در نتیجه، افزایش ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار موجب کاهش نرخ مؤثر مالیات حسابداری می‌شود که به‌معنای افزایش اجتناب مالیاتی است. با توجه به مبانی نظری، شرکت با محیط اطلاعاتی مبهم، محیط نظارتی ضعیف و جریان‌های نقدی مورد انتظار موجب ناکارایی سرمایه‌گذاری می‌شود که افزایش اجتناب از مالیات را به‌همراه دارد.

ارزش بازاری شرکت با ضریب $۷/۸۲$ تأثیر مستقیم بر نرخ مؤثر مالیات و به‌تبع آن، اثری معکوس بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارد؛ به‌طوری‌که با افزایش یک درصدی در ارزش بازار شرکت، نرخ مؤثر مالیات به میزان $۷/۸۲$ درصد افزایش می‌یابد که به‌معنای کاهش اجتناب از مالیات شرکت‌هاست. اندازه شرکت تأثیر معکوس بر نرخ مؤثر مالیات دارد و باعث افزایش اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌شود؛ بدین معنا که اگر یک درصد دارایی شرکت افزایش - یابد، نرخ مؤثر مالیات $۴/۰۵$ درصد کم می‌شود؛ یعنی، هرچه شرکت‌ها بزرگ‌تر باشند، نرخ مؤثر مالیات کاهش و به‌تبع

آن، اجتناب از مالیات شرکت‌ها بیشتر می‌شود. ضریب برآوردی حقوق صاحبان سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست؛ پس، می‌توان گفت این عامل با اثر معناداری بر نرخ مؤثر مالیات و در نتیجه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها همراه نیست. با بررسی وقفه نرخ مؤثر مالیات می‌توان دریافت که نرخ مؤثر شرکت در گذشته بر نرخ مؤثر مالیات سال جاری اثر مثبت دارد. در واقع، شرکت‌هایی که در گذشته نرخ مؤثر مالیات حسابداری بیشتری داشته‌اند، در حال حاضر نیز نرخ مؤثر زیادتری دارند و در نتیجه، اجتناب مالیاتی بیشتری خواهند داشت.

جدول ۳. نتایج برآورد الگوی دوم

متغیر	ضریب	آماره z	سطح احتمال
وقفه نرخ مؤثر مالیات	۰/۴۷	۱۱/۳	۰/۰۰۰
ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار	-۰/۷۱	-۳/۴	۰/۰۰۱
ارزش بازاری شرکت	۷/۸۲	۶/۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۴/۰۵	-۲/۷	۰/۰۰۷
حقوق صاحبان سهام	$-۳/e^{-08}۵۴$	-۰/۲	۰/۸۳۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این مقاله، تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیات با تمرکز ویژه بر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار در شرکت‌های صادراتی ایران بود. برای این منظور، داده‌ها و اطلاعات ۶۴ شرکت صادراتی در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۸ پردازش شد و فرایند برآورد با روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین زن گشتاورهای در دو مرحله اجرا شد. نخست، ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار برآورد شد. نتایج نشان داد که در مجموع، میونگین ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار طی دوره مورد بررسی تقریباً از روندی افزایشی برخوردار است. پس از محاسبه ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار، در مرحله دوم، نوع و اندازه اثرگذاری عوامل بر اجتناب مالیاتی برآورد شد.

نتایج نشان داد که ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار، به‌طور معکوس بر نرخ مؤثر مالیات اثرگذار است و با توجه به ارتباط معکوس نرخ مؤثر (به‌عنوان پراکسی در سنجش اجتناب مالیاتی) و اجتناب از مالیات می‌توان گفت که افزایش ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار موجب افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. براین اساس، فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر مستقیم ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار بر اجتناب مالیاتی تأیید می‌شود. ارزش بازاری شرکت نیز تأثیری مستقیم بر نرخ مؤثر مالیاتی داشته و به تبع آن با اثری معکوس بر اجتناب مالیاتی همراه است. اندازه شرکت نیز مانند ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار، اثر معکوس بر نرخ مؤثر مالیات و به تبع آن، اثر مستقیم بر اجتناب مالیاتی دارد. به عبارت دیگر، هرچه شرکت بزرگ‌تر باشد نرخ مؤثر مالیات کمتر و اجتناب از مالیات بیشتر می‌شود. توضیح آنکه یافته‌های به‌دست‌آمده با نتایج تنها پژوهش موجود در این زمینه (تیلور و دیگران، ۲۰۱۹) سازگار است.

با توجه به نتایج پژوهش، به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود با نظارت بر فعالیت مدیران، زمینه را برای افزایش گردش اطلاعات، گزارشگری مالی، تهیه منابع و نظارت بر آن فراهم کنند و از این راه، بسترهای لازم برای پیش

دقیق‌تر رفتارهای مدیران را ایجاد کنند؛ زیرا این موضوع به احتمال زیاد موجب به‌کارگیری تعداد بهینه‌ای از نیروی کار در شرکت می‌شود و از پیامدهای منفی ناشی از آن برای افزایش اجتناب از مالیات، جلوگیری می‌کند. همچنین، با توجه به اثرگذاری معکوس ارزش بازاری شرکت بر اجتناب مالیاتی، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران در امر مالیات-ستانی، تمرکز بیشتری بر شرکت‌هایی داشته باشند که با کاهش در ارزش بازاری مواجه‌اند. این تمرکز بیشتر در نظارت و کنترل شرکت‌های بزرگتر و شرکت‌هایی که در گذر زمان، به‌طور محسوسی از حیث اندازه بزرگ می‌شوند نیز صادق است؛ زیرا با افزایش اندازه شرکت، اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد.

منابع

- تحریری، آرش، خوئینی، مهین (۱۳۹۶). کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. *مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی*، ۴ (۱ (۱۲)): ۱۲۰-۱۰۱.
- تقفی، علی، عرب‌مازار یزدی، مصطفی (۱۳۸۹). کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲ (۴): ۲۰-۱.
- خواجه‌ی، شکرالله، ممتازیان، علیرضا، دهقانی سعدی، علی اصغر (۱۳۹۵). بررسی اثرگذاری قابلیت‌های مدیران بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها. *فصلنامه دانش حسابداری مالی*، ۳ (۳ (۱۰)): ۴۵-۲۳.
- زروکی، شهریار، یوسفی بارفروشی، آرمان، توسلی‌نیا، علی، حدیدی، مروارید (۱۴۰۱). برآورد فرار مالیاتی با روش تانزی و تحلیل اثر ابزارهای مالی دولت. *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۱۱ (۴۲): ۸۳-۱۰۸.
- صفا، مژگان، قاضی، سید رضا، حسامی، ندا (۱۳۹۹). ارتباط تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیران. *فصلنامه حسابداری و حسابرسی*، ۱۰ (۱): ۹۱-۱۱۳.
- ضیایی بیگدلی، فرهاد (۱۳۸۳). *مالیات بر ارزش افزوده: مالیات مدرن*. پژوهشکده امور اقتصاد: تهران.
- محمدی، یادگار، محمدی، اسفندیار، اسماعیلی کیا، غریبه (۱۳۹۸). اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، سیاست‌های تأمین مالی و کارایی سرمایه‌گذاری. *فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۶ (۲): ۲۳۱-۱۹۵.
- Alstadsæter, A., Johannesen, N., Herry, S. L. G., & Zucman, G. (2022). Tax evasion and tax avoidance. *Journal of Public Economics*, 206, 104587.
- Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1): 1-17.
- Asiri, M., Al-Hadi, A., Taylor, G., & Duong, L. (2020). Is corporate tax avoidance associated with investment efficiency? *The North American Journal of Economics and Finance*: 101143.
- Agrawal, K. K. (2007). *Corporate tax planning*. Vol. I. Sixth edition. 3.11 Allingham.
- Biddle, G., & Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. *The Accounting Review*, 81(5): 963-982.
- Biddle, G. C., Hilary, G., & Verdi, R. S. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3): 112-131.
- Balakrishman, K., Blouin, J., & Guay, W. (2012). Does tax aggressiveness reduce corporate transparency? Wharton working paper.

- Cameron, K. S (1994) Strategies for successful organizational downsizing. *Human Resource Management*, 33(2): 189–211.
- Cameron, K. S., Freeman, S. J., & Mishra, A. K. (1991). Best practices in white-collar downsizing: Managing contradictions. *Academy of Management Perspectives*, 5(3): 57-73.
- Cheng, C. A., Huang, H. H., Li, Y., & Stanfield, J. (2012). The effect of hedge fund activism on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 87(5): 1493-1526.
- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of financial Economics*, 79(1): 145-179.
- Diamond, D.W., Verrecchia, R.E., (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *The Journal of Finance*, 46: 1325–1359.
- Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4): 1163-1189.
- Easley, D., O'Hara, M., (2004). Information and the cost of capital. *The Journal of Finance*, 59: 1552–1583.
- Gomariz, M. F. C., & Ballesta, J. P. S. (2014). Financial reporting quality, debt maturity and investment efficiency. *Journal of Banking & Finance*, 40: 494-506.
- Gallemore, J., & Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1): 149-167.
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3): 127-178.
- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1-3): 405-440.
- Hendricks, L. (2002). How important is human capital for development? Evidence from immigrant earnings. *American Economic Review*, 92(1): 198-219.
- Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang, H. (2013). Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review*, 88(6): 2025-2059.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4): 305-360.
- Jung, B., Lee, W. J., & Weber, D. P. (2014). Financial reporting quality and labor investment efficiency. *Contemporary Accounting Research*, 31(4): 1047-1076.
- Kim, J., & Im, Ch. (2017). Study on corporate social responsibility (CSR): Focus on tax avoidance and financial ratio analysis. *Sustainability*, 9(10): 1710.
- McNichols, M. F., & Stubben, S. R. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions? *The Accounting Review*, 83(6): 1571-1603.
- Pinnuck, M., & Lillis, A. (2007). Profits versus losses: Does reporting an accounting loss act as a heuristic trigger to exercise the abandonment option and divest employees? *The Accounting Review*, 35(82): 1031–1053.
- Robinson, J.R., Sikes, S.A. & Weaver, C.D. (2010). Performance measurement of corporate tax departments. *The Accounting Review*, 85(3): 1035-1064.
- Rego, S. O. (2003). Tax-avoidance activities of US multinational corporations. *Contemporary Accounting Research*, 20(4): 805-833.
- Rego, S.O., Wilson, R., (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*. 50 (3): 775–810.



- Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. *Review of Accounting Studies*, 11(2-3): 159-189.
- Shams, S., Bose, S., & Gunasekarage, A. (2022). Does corporate tax avoidance promote managerial empire building? *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 18(1): 100293.
- Stein, J.C., (2003). Agency, information, and corporate investment. In: George, M., Constantinides, M.H., Stultz, R.M. (Eds.), *Handbook of the Economics of Finance*. Elsevier North-Holland, Amsterdam: 111-163.
- Taylor, G., Al-Hadi, A., Richardson, G., Alfarhan, U., & Al-Yahyaee, K. (2019) Is there a relation between labor investment inefficiency and corporate tax avoidance? *Economic Modelling*, 82: 185-201.
- Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3): 969-999.